

که نعمتی را از نعمتهای من مقابل عمل او کنید او بی نعمت از نعمتهای خدا بهره اعمال او را فرایید و آنجا که آن بندگی
 الهی افضل و رحمت خود را بخشش و هزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود
 دفاتر سه اندکی در حسنات دوم دفتر سیات سوم دفتر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند او بی نعمت بکنند
 و گیرد و گناهان باقی مانند و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتهای او بخشند و حسنات را مضاعف کند

باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار لغو ذنبا و منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبرئیل نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله آمد و متغیر اللو
 آنحضرت پرسید که چه حال است گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بکلیه نامحرمی جهنم
 دیده آمده ام فرمود و صف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افزوختند تا
 سفید شد پستریز سال دیگر افزوختند تا که سرخ شد پستریز سال دیگر افزوختند تا که سیاه شد پس
 آن سیاه و تاریک است روشن نیست شر آن و کم نمیشود و سوزش آن قسم کسی که ترا فرستاده است
 بحق که اگر سوراخی شود از دوزخ بقدر سوزن اهل زمین همین اندازه گرمی آن و اگر فرشتگان عذاب در جهنم
 ظاهر شود کسی از آنها بسوی دنیا و اهل زمین او را بینند جهنم میرند از زشتی روی او و بد بوی او و اگر حلقه
 از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور شده نساوه شود بر کوهها دنیا بر آینه فرود و تا زمین سفلی هر گاه چنان
 دوزخ را پیدا کرده دلهای طالک از دهرشت آن پریدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد و الهای
 قرار گرفت در پنجمین است که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هفتاد مرتبه
 گوید تا که رب العزت در آن قدم بنهد آن زمان بعضی از آن بسوی بعضی بیچند و گوید پس بس دوزخ در
 سفلی است یعنی زیر زمین و بهشت بالایی آسمان هفتم از زمین بن منبیه و نیست که چون قیامت
 قائم شود خلق که پیشش سقر شود و شود و از آن آتشی براید و دریا که بر جسم مطبوع است
 و حاجز است میان جهنم و بهشت طبق زمین در چشم زدن افزوخته کنند بهانست حسر مسجور
 فصل جهنم را هفت در که است و هفت در است یکی بالایی دیگری دبر آورد جماعتی است قیامت که

این است
 در کتاب

اول شان چشم است و بان عذاب کبر است بر آنگسان این است است تر از آن نظمی از آن است سحر
 از آن است خطر زیر آن سقر زیر آن چشم است تر از ویه منافقان در هر که اسفل باشد از دوزخ مسلمانان
 را باید که همیشه از دوزخ سخن بجا نهد پناه جویند از مجاهد مرویست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ افتد از آن
 دوزخ با هم چه گفته شود که چه حال است و دوزخ گوید که این مرد از من بپوشاید میبست حکم شود که این را
 بگذارند بهستی روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم نمی خفت تا که تبارک و حمیر سجده
 نمی خواند و فرمود که حشر با هفت اند و در ای جهنم هم هفت اند حشر سجده از آن روز قیامت
 بروی از درهای جهنم بایستد و بگوید که آئی داخل نشود از این در کسیکه با من ایمان داشت و مرا می خواند
 فصل موکلان چشم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جنم مخلوق شدند
 و هر روز قوت شان زیاد می شود و هر یک از آن آنگه هست که در میان دو شانه او صد ساله است
 و در لهای شان حمت مخلوق نشده و با هر یک از آن گزشت و مالک آنگه است بعد و همه دوزخیان
 کسی در دوزخ نیست که مالک او را آنگه گشت خود عذاب نمیکند و قلمی گفته نوزده سردارند و موکلان
 جهنم بشمارند و درین واژه است در جهنم عمیق که کاوردی تا چهل سال فرود میرود پیش از آنکه در قعر او رسد و در او
 که در وی دم دوزخیان جاریست و صعود کو بیست و جهنم در هفتاد سال جهنمی با علا آن رسد و باز از آنجا
 زرافه همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود بیست که اگر در وی است رسد گذر شود و چون دست بر آن
 زدست دست بشود و همچنان فرمود صلی الله علیه و سلم که اگر سنگی بوزن ده درم از لب جهنم انداخته شود
 تا هفتاد سال پدید آید و در نهایت آن نمیست و اشام و آن هر دو نذر اند از یم دوزخیان و موبق
 اوی عمیق است روز قیامت فاصل باشد در میان سلیمان و کفار از اهل دوزخ در صحیحین است که دوزخ شکایت
 زده بسوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی اجزای من بعضی را خورده حکم شده او را بدوم
 می بسردی که از سردی او در دنیا سرد می شود و می بگری که از گرمی او در دنیا اگر ماست شود
 فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز پیرهنها از مس که داخته شده شد بد الحار و به سبب این پیرهنها
 در دوزخ را پوشاک باشد و برنگی برای شان ستر است از پوشاک حیات باشد و موت برای شان ستر باشد

انجیات و برآمی و در خیانتش باشد و لحاف از آتش دوزخیان در زنجیر باشند که بفتاد و گزطلول آن زنجیر باشد
 برگز از این مفتاد باغ تبریاع مقدار را بین مکه و کوفه اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود و بیک حلقه زنجیر و دوزخیان رسد
 آن زنجیر را زود برآید داخل کرده و از زمین برآورده بر سر سجیده شود و هم بالا می سر کافر بخته شود و پس بر سر شکم
 و فروریزد و آنچه در شکم باشد در قدش باز بچکان درست شود و باز جیم خست شود و طعام دوزخیان ز قوم
 باشد اگر قطره از آن در دریا افتد زندگانی اهل دنیا فاسد کند ز قوم درختی باشد از شدت گر سنگی آدمی
 از وی بیدان گیرد آن درخت از آدمی همان قدر بگیرد که گیرد و نیز طعام دوزخی ضریح باشد رسول فرمود صلی
 علیه و سلم ضریح چیزیست در دوزخ مشابه خار تلخ تر از صبر و بد بو تر از حیضه و گرم تر از آتش و قستیکه بخورد
 صاحب او نه در شکم فرورد و نه از دهن برآید گلوگیر باشد نه فریاد کند و نه گر سنگی دور سازد و نیز طعام دوزخیان
 غسلین باشد یعنی ریم دوزخیان و شراب شان جیم باشد یعنی آب در غایت گرمی و مشتاق یعنی آب سرد
 موزی در غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دوزخساق در دنیا افتد تمام دنیا بد پوشود و از کعب
 مردیست که غساق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهرهای تمام جانوران زهر دار باشد ایشان را
 در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده در پای افتد و آنرا مثل پارچه بکشند تریخی
 از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم گر سنگی بر کافر غالب کرده شود هدی که
 برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند طعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس یاد کنند که در دنیا
 از آب طعام را از گلو فرو می بردند فریاد کنند و آب خواهند پس جیم بگلو بهای آهنی زرد رنگی ایشان کرد و شود
 از گرمی آب روی شان بریان شود چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از احساس قطع کند انگاه خازنان
 دوزخ را گویند دعا کنید از پر درو گار که یکروز از ما عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده بودند
 گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید نیست دعای کافران مگر در گراسی یعنی ناقبول است مالک
 گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را ببرد مالک بعد از سال جواب داد که شما همیشه در عذاب هستید
 انگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بدخنی ما غالب شد و ما قومی گمراه بودیم ما را از دوزخ برار
 باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب بدیست و اینها و کلامی که در دوزخ و سخن گویند انگاه

این مقدار است
 هر دو دست

اینها را
 در دنیا
 از آب طعام
 را از گلو
 فرو می بردند

در زفر و حسرت باشند در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را
 پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی ما را و بار زنده کردی ما را و بار اقرار کردیم گناهان
 خود آیا ما را باشد را بهی بسوی بر آمدن از دوزخ جواب دد بحق تعالی این عذاب از آنست که چون مردم
 توحید میکردند شما اعتقاد بشکر سید شستید و شرک میکردید پس حکم مر خداست نه دیگری را باز نماند
 گفتند آئی ما دیدیم و شنیدیم ما را باز دنیا بفرست تا عمل کنیم بگو جواب یا بید چشمید این عذاب را
 شما فراموش کرده بودید این روز را ما شمارا فراموش کردیم چشمید عذاب را همیشه بسبب اعمال خود باز
 گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا ما قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولان را
 جواب دهد خدا آیا نبودید شما که قسم میخوردید که شمارا زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ بر
 عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر داده بودیم شمارا در دنیا آنقدر که دیگران در آن عمرند
 پذیرفتند و آمدند نزد شمارا رسولان ترساننده از عذاب خدا پس چشمید عذاب ظالمان را کسی بدکار نیست
 باز گویند ای پروردگار ما را بد بختی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما را بر ابرار پس اگر باز کفر کنیم ظالم
 باشیم آنگاه جواب ده شوند یا خوش بختی یا کافران یا بد بختی باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 که در دوزخ ما را باشند مانند گرونها می شتر بختی و کژ دها باشد خرد تر شان مثل خمر بر گاه میش نشند
 پنج او تا چهل سال باقیمانند در روایتی آمده که میش کژ دها مثل دخت طویل از خربا باشد مسلم از ای
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بدن کافر آنقدر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد
 و پری پوست او مسافت سه مرحله راه دور روایتی آمده که مقعد او از کتف تا مدینه و در حدیثی آمده که تا
 زنده گوش تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر خورد تا که رسد بر دل او باز بندش
 دست شود باز همچنان کند تا ابد معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخت شود
 و باز دست کرد و عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه و سلم شنیدم و بروایتی در ساعت
 صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بروایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روز
 هفتاد هزار بار و جمع روایات متعدد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

این حدیث را
 در کتاب
 دوزخ
 آورده است

در روز که دوازده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود با مفاصل که جمع این دور وایت میشود
 و از خدیفه مردیست که در جهنم در زندگان دسگان و کلوبها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان
 کلاب قطع کنند و از آن شیرها عضو جدا کرده پیش سباع دسگان بیندازند و هر بار که عضوی
 را بر بی جای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آتشان کند که لب بالا
 کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین هشتاد تا نود رسد این عباس در تفسیر قوله تعالی فلیخسوا
 قلیلاً و لیبکوا کثیراً میفرماید که دنیا قلیلست و دنیا بر قدر خواهد نهند و نهند چون دنیا منقطع شود
 گریشان منقطع نگردد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که دوزخیان گریه کنند تا که آب چشم منقطع شود
 خون بگریند و در رویهایشان خند قما شوند که اگر گشتهها در آن بگذرانند جاری شوند و فرموده که دوزخیان
 مدتی آب چشم بریزند بستر مدتی ریم گریزند پس خانان جهنم گویند ای بدبخشان شما در دنیا گریستید حالاً
 فریاد و سر و آید آن زمان از اقربای خود که هشتیان باشند ندا کنند ای جماعه پدران و مادران فرزندان
 بر آمده ایم از قبور تشنه و در طعل موقت تشنه مانذیم و الحال تشنه ایم بریزید بر آب یا آنچه خدا بشما
 داده است بعد چهل سال از انجا جواب یابند که حق تعالی آب و غیره بر کافران حرام کرده است دوزخیان
 در دوزخ زفر و شیبق باشد یعنی آوازی شهید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از ابل و دوزخ کمتر در عذاب
 کسی باشد که او را نعلین از آتش باشند که از آن دماغ او جوشد چنانچه دیگر میجوشد دانند که کسی از من
 عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر است در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه و سلم پرسید
 که ابوطالب حمایت تو میکرد و او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در مخصاح آتش است
 اگر من نمی بودم در درک با سفل می بود مخصاح آبی قلیل را گویند که تا شتا لنگ باشد
 با کمتر از آن در حدیثی آمده که ابوطالب را نعلین است از آتش که از آن دماغ او میجوشد

بعضی باین میزنند
 که در دنیا...

باب چهارم در عذاب گناهکاران از مسلمانان

رسول فرمود صلی الله علیه و سلم دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی بزندیگی راحت و نه مرده باشند

و بعضی کسان را آتش سسپین میزند و مثل انگشت شوند پس حکم شود و بشما عت مائنا پس آنها را بر او در
 نهر یا بهشت انداخته شوند و این بهشت را حکم شود که بر آنها آب ریخته پس آنها مثل سبزه برویند و در حد
 آده که گرمی و زخ بر امت من مانند گرمی حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان فرموده که بعضی دوزخیان را آتش
 تا شت انگب باشد و بعضی را تا زانو و بعضی را تا سینه و بعضی را تا حلق و بعضی را تا سر و فرموده زنان را که من شمارا
 اکثر اهل دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار بگوید و کفران نیست شوهران میکنند و نیز در حق آنها
 فرموده که آنها بر عطا شکر نمیکند و بر بلا صبر میکنند و فرموده که مردی را در دوزخ انداخته شود پس بیرون آید اما
 پس او در آتش گردش کند چنانچه خرگردد آسیا میگردد و دوزخیان جمع شوند و بگویند ای فلان چه حالت ترا تو مارا
 امر معروف و نهی از منکر میگویی گوید که من شمارا امر معروف میگردم و خود آن کار نمیگردم و نهی از
 منکر میگردم و خود مرتکب آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتواند کرد
 و طلب علم نکرده و مرد عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زمانه جلدی کنند در عذاب قاریان قریش از
 عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب با جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که
 عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاوه یا گوشواره یا دست بند از زر یا
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که قلاوه و مانند آن از نایب باشد علما این حدیث را در حق زنان
 منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعد از آنکه از کات و فرموده هر که در ظرف زریا نقره آب خورده آتش
 دوزخ و شکم و آه از کند چنانچه آب در کوزه و همچنین هر که اگر میان جبهه از حریر باشد او را طوق از آتش باشد
 و در همچنین است که فرمود بر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که ورد و جوگره
 و بتواند و هر که سخن کسی را گوش نهد و او بشنیدن او راضی نباشد و گوش او سرب گداخته بخته شود
 روز قیامت و هر که صورت ذی روح سازد تکلیف داده شود که در آن روح داخل کنند و هر که علم را
 پوشیده کند او را انگام از آتش داده شود و هر که دوزبان باشد در دنیا یعنی روبرو شخصی بوضع میگوید
 و غائبانه بوضع دیگر او را دوزبان باشد آتش روز قیامت و هر که او را در وضو پاشنه خشک ماند با
 پاشنه او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در وضو انگشتان خلل کنید تا آتش

در میان شان نیاید و در صحیحین است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که هر که از بلندی خود را انداخته برود
 همیشه در دوزخ در همین جناب باشد و هر که زهر خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هر که
 با این خود را کشت همیشه آهین او در دست او باشد که در شکم میزوه باشد و فرموده هر که اهل مدینه را
 بدمی خواهد در آتش که از چنانچه قلعی گذاخته میشود و هر که ضیبت کسی کند گفته شود که بخور گوشت او در حاشا
 مردکی چنانچه خوروی گوشت او در حالت زندگی پس بخورد و بسیار ریخ کشد در حدیثی آمده که چهار کس
 باشند که در جیم و جیم بگردند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی شان ما را ببرد
 زیاده از ایندای نفس خود و او را گویند ای بعد تو ما را اینا کردی زیاده بر آنچه ما را بود یکی آنکه مال مردم برود
 او باشد و او انشود او معلق باشد در تابوت از آتش دوم آنکه از رسیدن بول بیچاره و بدن بیچاره
 او اسعاس خود را آتش کشد سوم آنکه از سخن در مردم لذت گیرد از زبان او ریخ جاری باشد چهارم آنکه
 ضیبت و نیمه کند و همیشه گوشت خود بخورد و از قصور بن زبان مرویست که گفته عالم که از علم خود منتفع
 دوزخیان متاوی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که فرجهای زانیان اینها هستند اهل
 را از بد بوی دور صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر کسی که حق تعالی بر خود لازم گرفته است
 آنکه بر که مسک خورد او را نوشتند حق تعالی طینت خجال فرمود یعنی افشرد و دوزخیان در حدیثی آمده
 که هر که نخر نوشد خدا او را جیم نسیم نوشتند و فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که مدینه بجز نگاه و خواب نیست
 واجبست بر امت من گرامی کردن اهل مدینه را تا که پر پیروز از کبائر کسی که چنین نکند او را حق تعالی
 طینت خجال نوشتند و فرمود هر که در حق مسلمان گوید آنچه در وی نباشد خدا تعالی او را ساکنی بدهد
 کند تا که بر اید از آن قول و بر بنخواهد از آن قول و فرموده که زنان نوحه گرا و وصف کرده بر بانبست برین
 روز خیان استاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان فرموده که سگ
 ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که سخت تر خذاب صورت
 باشد در حدیثی آمده که سخت تر خذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیاء و ششام و ده پستری
 که اصحاب در دشنام دهد پستری را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر خذاب کسی باشد

سخت تر خذاب صورت
 کسی باشد

که نبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و پادشاه ظالم را و مستوران او قتل نموده که سخت تر عذاب روز قیامت
 کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکنند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را بدو خلقت
 حکم کند چون نزدیک است رسند و خوبی هشت بیستند حکم کند که اینهارا از بهشت بازگردانیده بدوزخ اندازد
 پس آنها بحسرتی بازگردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگارا اگر ما را از اول
 داخل دوزخ میکردی بهتری بود حق تعالی فرماید که همین خج استم که شما را حسرت و هم شما در خلوت
 گناهان عظیم میکردید و محض مردم بر خلاف آن میکردید از مردم همیت میکردید و از من همیت نمیکردید مردم
 تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امر در می چنانم شمارا
 عذاب الیم و محروم دادم شمارا از ثواب فرموده که برای استهزا کنندگان با مردم درمی بسوی بهشت
 کشاده شود و گفته شود یکی را از آنها برای خروج از دوزخ و او با کرب و محنت آید چون نزدیک در رسد در را
 بند کرده شود همیشه همچنین شده باشد تا آنکه چون دروازه کشاده شود و گفته شود که بیا از نا امید نیاید
 و در حق چند کس در احادیث وارد شده **فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَ الْعَصِيِّ** یعنی باید که خانه خود در دوزخ
 سازد و کسی که بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم دانسته دروغ بنده و کسی که دعوی دروغ کند و کسی که شهادت
 دروغ دهد و کسی که قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان خورد و کسی که دوست دارد آنکه مردم پیش او استهزا
 باشند و در حدیث وارد شده که گناهکاران سواست محمد صلی الله علیه و سلم در دوزخ انداخته شوند
 روهای شان سیاه شود و قیدهای نبی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهکاران است محمد صلی الله علیه
 و سلم اگر در دوزخ انداخته شوند روهای شان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده
 مالک گوید که از شما خوب رو تر بر من وارد نشده است شما از کدام است هستیید گویند ما از امت فراتر
 هستیم از امیر المؤمنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما روایت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که این گناه
 از موصدان که بدون توبه مرده باشند بر که از آنها داخل دوزخ شود چشمهای شان از رقی نشود و در دوزخ
 شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک زنجیر نگه داشته شوند و طوق در گردن زنجیر در پا نگه داشته شوند و حیم خود را
 شوند و قطران پو شانیده شوند و خلود در آتش آنها را نباشد و صورتها می شان آتش حرام کرده است

بعضی آنها را آتش باشد تا قدم و بعضی را تا پاشنه و بعضی را تا ران و بعضی را تا کمر و بعضی را تا گردن
 بقدر گناهان شان بعضی از آنها یک ساعت و بعضی یک روز یعنی بقدر یک روز دنیا و بعضی یک ماه و بعضی یک سال
 در دوزخ باشند بعد از آن از آن خارج کرده شوند و در از تری مدت ماندن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باشد
 فصل چون خواهد که حق تعالی آنها را از دوزخ بر آورد و نصاری و بیت پرستان و غیره اهل دین
 باطله مومنان را گویند که ما دشما در دوزخ برابریم یعنی ایمان شما چه فائده کرد حق تعالی در غضب آید
 و مومنان را از دوزخ بر آورد و بسوی چشمه که در میان صراط و شست دست بیفکند پس آنها مانند سبزه برو
 پست داخل بهشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد **بسم الله الرحمن الرحیم** الله بعد مدتی آن نوشته میشود
 پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز در پای دوزخ بر کسانیکه باقی ماندند یعنی کفار بنده گفتند و بیجا آتشی
 بر آنها زنند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که بخشش کند الله تعالی بر دوزقیان
 بر کسانیکه عمل نیک گاهی نکرده اند پس بزرگواران را از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل بهشت کنند
 خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و بر آزار این عمر روایت کرده که گفته بر آتش وقتی آید که با و با و
 آنرا در حرکت در آورد کسی در آن نباشد شیخ محی الدین عزلی از یحیی بن سنان میگوید که بعد مدتهای مدتی
 در دوزخ کفار هم باقی نمانند و مراد از خلود آنها گشت طویل است لیکن این قول مخالف نصوص قطعیه و اجماع
 و علماء این حدیث را تاویل میکنند و میگویند که جایی عاصیان مومنان که طبقه علیاست از دوزخ خالی شود
 و کسی از مومنان در آن نماند طبرانی از انس از جابر بن عبد الله آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 که مردان این امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتی که خدا خواهد بپستر عار دهند آنها را کفار که
 شمار تصدیق رسول هیچ نفع نکرده پس حق تعالی بفرماید که برانند هر که باشد مسلمان آنرا با کافران
 آرزو کنند که کاشکی مسلمان بودی آنحضرت این آیت خواند **مَا يَعْزُبُ عَنَّا الَّذِينَ كَفَرُوا** و گویند
 مستلیمین حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلود نباشد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گوید و بر همین اعتقاد میرد البته داخل بهشت شود و آب و زلف است که اگر چه
 کرده یا سرفه کرده باشد آنحضرت فرمود اگر چه زنا و سرفه کرده باشد باز ابر و زبان گفته بار آنحضرت

بعضی این مردم
 دوزخی اند که از او
 که در بهشت است
 چه تعالی اند
 صحت بود
 آنرا گویند از صحابه
 روایت باشد
 تا آنکه فرمود صلی الله علیه و سلم
 علم و کفر گفته باشد
 مع بسا باشد
 سر دوست خوانند
 داشت کافران
 که کاشکی مسلمان بودی

جان فرموده و در مرتبه سوم گفته **عَلَيْكُمْ أَنْفُ آبٍ** و فرموده هر که میورد در حالیکه شرک
 نکرده باشد داخل بهشت شود و هر که میورد مشرک باشد داخل دوزخ شود و احادیث درین باب
 بسیار اند زیاد از حد تو اتر و در بعضی احادیث وارد شده که هر که شهادت دهد بتوحید و بر سالت محمد
 صلی الله علیه و سلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبد و مخلود در دوزخ
 بر وی حرامست بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهگاران از مسلمین وارد شده و آنچه این جهان از
 این هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که **هَرَكَةُ كَلِمَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** گفت نفع خواهد کرد او را
 از دوزخیش از آن آنچه او را رسد و نزدیک وحاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم
 حق تعالی بفرماید که از آتش بر آید کسی را که روزی مراد کرده و جائی از من ترسیده باشد
فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون شش تیان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفای
 در دوزخ مانند استاده شود بانگ بنده در میان شان و آواز کند ای اهل دوزخ موت نیست
 و ای اهل بهشت موت نیست هر یک در آنچه است همیشه باشد و هم در صحیحین است از ابن عمر و ابی سعید
 خدری که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قتی که همه شش تیان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ
 مانند موت را بصورت کبش سیاه در میان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود ای اهل بهشت
 و ای اهل دوزخ موت را می شناسید هر یک گردن دراز کند و بنید و گوید آری این موتست پس او را
 نوح کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلوت است و ای اهل دوزخ خلوت است موت نباشد رسول فرمود
 علیه و سلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگریزه دنیا بر اینه خوش شوند و اگر
 اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگریزه دنیا بر اینه غمگین شوند لیکن بر آنها خلوت است
 از این مسو مرویست که چون باقی ماند کسی که در دوزخ مغلد باشد آنها را در صند و قهای آمنی کرده و بر آن
 میخامی آمنی زده و آن صند و قهارا در صند و قهای دیگر آمنی کرده اند اخته شوند پایین تر دوزخ پس هر
 از آنها داند که غیر او کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافق ازاد صند و قهای آمنی کرده
 در درک اسفل دوزخ در تونزاتنگ تر از بیخ که کوفته شود و تیره کرده شود و آنرا **جَبَّ الْحَزَنُ** گویند

بر خاک آلوده شدن
 یعنی اهل دوزخ که با دلیل آنچه
 این جهان از این

هر که در دوزخ
 است و در آن صند
 و قهای آمنی زده
 است

۴۱
باب پنجم در صفت جنت و دخول بهشت و نعمتهای

دخول بهشت محض بفضل خداست جل و علا در صحیحین اینها بر همه یقده مرویست که رسول فرمود ع
 علیه و سلم محکم گیرید کار خود را از روی کجی جویند بخند او خوشن باشد بدستی که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را
 عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرموده مرا اگر آنکه پوشد مرا غی نقالی مغفرت و رحمت خود در
 صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص خواهد
 کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا اگر رحمت از خدا این چنین در احادیث بسیار آمده و این سخن شکل میشود
 بقوله تعالى ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون یعنی داخل شوید بهشت را بسبب اعمال خود و ادب
 بدانکه اصل دخول جنت و نخل و در آن بفضل خداست چرا که خلوه غیر متناسب است و اعمال تنهایی است و
 تفاوت درجات جنت بسبب اعمال است بنا و از این مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم
 ز صراط بفرود آید داخل بهشت خواهند شد بر رحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را و بهشت با اعمال
 خود تفریق گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محترمندگان را بر رحمت خود قبول فرموده و جزای اعمال محقر
 متناسبی را در خوان جنت ثواب غیر متناسبی مقرر فرموده بعد از آن اگر گفته شود که دخول جنت جزای اعمال
 گنجایش دارد و اگر گفته شود که دخول جنت بر رحمت خداست هم گنجایش دارد و طبرانی و بیهقی از سلمان
 فارسی از آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود بدخول جنت چیزی از حضور عنایت شود باین عبارت
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانٍ اَدْخُلُوا الْجَنَّةَ
 بِأَنَّهُمْ قَدْ آمَنُوا بِآيَاتِنَا یعنی این خط از الله عزیز حکیمست بر افلان که او داخل کنید بهشت عالی
 که تمهید آن نزدیک است و چون مردم در ضمن بهشت شوند خازنانشان گفتند سلام علیکم و طیب
 فاداهم اننا لالذین کوا زبرد رفته باینده و بگویند سلام علیکم و یا صبر توفیق
 عُقْبَى الدار بهشتیان گویند الحمد لله الذی صدقنا وعدة و اوتانا الارض و ما
 من الجنة حیث نشاء و بگویند الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لہ

در این باب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر کس را در جنت بخواهند داخل کنند او را بخندند و او را بگویند سلام علیکم و طیب فاداهم اننا لالذین کوا زبرد رفته باینده و بگویند سلام علیکم و یا صبر توفیق
 در این باب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر کس را در جنت بخواهند داخل کنند او را بخندند و او را بگویند سلام علیکم و طیب فاداهم اننا لالذین کوا زبرد رفته باینده و بگویند سلام علیکم و یا صبر توفیق
 در این باب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر کس را در جنت بخواهند داخل کنند او را بخندند و او را بگویند سلام علیکم و طیب فاداهم اننا لالذین کوا زبرد رفته باینده و بگویند سلام علیکم و یا صبر توفیق

در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوی شمس خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند و در میان و در هر صد ساله راه با
 و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان زمین است و در درجه اول خانه
 تختها و در راه دیوارها و قفلهما از نقره است و در درجه نهم آن همه از زر است و در درجه سوّم همه آن از یاقوت
 و در راه و در بهشت و نود و هفت درجه قسمی است که نمیداند آنرا جز حق تعالی و مسلم از ابی هریره روایت
 کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر دارانگم شمار را بر آنچه دور کند خطایا و بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسلخ
 وضو بر مکاره یعنی در حالت ناخوشی این استعمال آب وضو بخوبی کند و در رفتن مسجد نماز و انتظار نماز بعد نماز
 همین است رباط و بیعتی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعد از آیتهای قرآن
 پس هر که داخل شود در بهشت از ابی قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات
 را در گیرد این حدیث را بران حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و شصت و شصت و شصت
 بعد از آیات قرآن بلکه حمل بران باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را تکرار کند برای او درجات بهشت بیشتر
 اصحاب سنی و ابن جبران از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب قرآن را گفته شود در قرآن
 و ترقی کن و تریل کن چنانچه تریل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفرق کند نور
 از فوق درخش که بصر او را خیره کند گوید که این چیست گفته شود که این نور بر او دست فلان گوید که من
 او در دنیا با هم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چرایش گفته شود که او از تو در عمل افضل بود
 حق تعالی در دل او رضا دهد حسد نکند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها گرسنگی کشیدند
 و شما سیر بودید و آنها تشنگی می برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها شبها بیداری میکردند و شما خواب
 میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مبتلا کند
 تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا اگر اصحاب جمود و در
 در بهشت درجه ایست که نرسد آنرا که سکن باو شاه عادل و ذورحم و صل کنند و عیب که در رضا
 فصل حق تعالی بیفرماید و الذین امنوا و اتبعوا ذریعهم یا ایمان الحق یا یسعد در یسعد
 و ما الکناهم من علیهم من نفعی یعنی کسانیکه ایمان و در نفعی یان کامل و تبعیت کردنشان را

هر که در هر صد ساله یک تیر بسوی شمس خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند و در میان و در هر صد ساله راه با

اولا و آنها با ایمان یعنی آنها مومن هم هستند لایق کنیم با آنها اولاد آنها را و از عمل شان چیزی نگفته
 آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی ذریت مسلمانان را بر پا آورد و برایشان برتری بر همه
 در حدیثی آمده که چون برگرد و داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان و بر سرش گفته شود که آنها چه
 تو نیستی و مانند مثل تو عمل کرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آما کرده ام
 پس امر شود بالحق آنها فرموده که هر که بپند می در جات خواهد باید که عفو کند کسی را که بر وی ظلم کرده
 و بد کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و در راه هر که بر ساد بسوی بادشاه
 برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدا در جات او بپند کند و فرموده که هر که گماست کند یا نال ابریزد
 گیرد و از سفر بازماند بد جات بلند رسد و ابراهیم همی گفته که هر شخص بر قدر که در دنیا از طعام باشد
 حظ بردارد در آخرت درجه او کم شود و فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است و گزینند در رسد
الطاعم و الشاکر كالصالح الصابر این هم گفته که شخصی با غلام خود داخل شد و شد در رنج غلام
 بلند باشد بوییدای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این که خدا بپنداید او را و او را از
 ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که در قیامت حق تعالی بگوید که ای فلان که بودی
 و شما نسب دیگر گفتید من متقی را کرم ساختم و شما این یعنی نه پسندیدید گفتید که فلان غلام از فلان
 بن فلان بهتر است امروز نسب مقرر کرده خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان که جانان یعنی
 مرتبه متقیان بقدر تقوی بلند شود و حدیثی آمده که دو دو کس در راه نند این چنین باشند اعمال ما کنند
 غنی و فقیر صحیح و مریض حرد و مملوک نیک خلق و بد خلق متقیان در مرتبه صحیح و مریض و حرد و مملوک
 غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق و غنی و صحیح و حرد و مملوک
 بودیم و عا صالح بگردیم اینها را برابر چار فضیلت داد و بد خلق و غنی و در راه خائن و غنی و حرد و مملوک
 صحیح و حرد مریض و مملوک در اعمال را الحذر یا اولی و غنی و حرد و مریض و مملوک و غنی و حرد و مریض و مملوک
 حقیر گوید که الهی اگر مال میرد می من هم در راه ترنج بپررم و این مملوک را الهی اگر مرا صحیح و مریض و حرد و مملوک
 عمل بگردم حق تعالی نماید که راست گفته ای پس فقیر را یعنی مریض را برابر صحیح و مملوک را برابر حرد و مریض و حرد و مملوک

که خنده بسیار کن از خنده روزی ۱۰۰۰ صبر کنست

فصل بیست و هشت دروازه باشد نمازین را از باب الصلوة و صائمان از باب الصوم
 و صدقه دهندگان را از باب الصدقة و مجاهدان را از باب الجهاد طلبیده شود ابو بکر گفته یا رسول الله
 از هر دری که طلبیده شود خوب است لیکن کسی باشد که از همه دروازه ها او را طلبیده شود فرمود یا سلام
 که تو از آن مردم باسی قرطبی گفته از همه دروازه ها طلبیدن بنا بر اکرام است در حدیثی آمده که انسان
 عمل که بیشتر کند بهمان در طلبیده شود حدیث آمده که هر که بعد وضو اشهدان لا اله الا الله و
 لا شریک له و اشهدان محمد عبده و رسوله گوید بیست و دو دروازه بهشت بر او کشاید
 از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه و روزه رمضان کند و زکات دهد و از
 پیرد بیست دروازه بهشت برای او کشاید شود و بشارت بکشادن بیست دروازه بهشت
 وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب بدو گرسنه را
 از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی
 چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی او را دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشد و آنها را پرورش کند
 فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم بجای گل
 شک باشد و سنگریزه های آن مرارید و با قوت و خاک آن عفران هر که داخل بهشت شود همیشه
 خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد نمیرد و بارچه او کشته نشود و جوانی او را نعل نگیرد و نه نامی بهشت
 در غار نروند بالای زمین روند و میان دروازه بیست چهل ساله راه باشد روزی خیابان عالم
 شود که مردم بپلوی بپلوی روند و تنگ باشند و در صحیحین است که داخل بهشت شوند از امت من بهشتا و بزر
 یا بهشت لک راوی شک کرده داخل شوند بر بر دست بست گرفته رویشان مانند ماه شب چهاردهم باشد
 فصل در بهشت غرنا باشند بلند از جواب شفاون که ظاهرا آن از باطن آن در باطن آن از ظاهر دیده
 این بهشت اهل غرنا را بینند بالای خود چنانچه ستاره دور در افق مشرق یا مغرب دیده شود برای
 تفاضل که در میان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیاء باشد دیگران تا آنجا که
 فرمود قسم خدا که آن منازل مردمان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و تصدیق کرده باشند پیغمبر

از باب الصوم
 از باب الصدقة
 از باب الجهاد
 از باب الصلوة
 از باب نماز
 از باب زکات
 از باب روزه
 از باب حج
 از باب عمره
 از باب انفاق
 از باب سیرت
 از باب تقوی
 از باب عفت
 از باب حیا
 از باب شکر
 از باب صبر
 از باب شکر
 از باب صبر
 از باب شکر
 از باب صبر

و در حدیثی آمده که عرفها برای کسی که با هر یک کلام نیکو بزمی گویند و مردم را طعام خوانند و شهما
 نماز گزارند در حالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده که روز
 متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادر خود سلام گوید و سلام دهند و راجواب سلام گوید او گوید یا
 افشای سلام کرده و کسی که این عیال خود را از طعام سیر کرده پس طعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
 و سه روز از هر ماه روزه داشت گوید همیشه روزه داشت و هر که نماز عشاء و فجر بجماعت خواند او نماز خواننده
 در شب و در حالیکه مردم یعنی کافران خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود و روایتی که گفت یا رسول الله
 که اطاق است که افشای سلام و اطعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس نیاید حاصل آنکه
 اگر زیاده طاقت نباشد اینقدر هم کافی است اگر فضل الهی شامل حال است و در حدیثی آمده که حق تعالی عرفها
 بدست مبارک کرده است برای کسانی که برای خدا دوستی دارند و ملاقاتها نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا
 در حدیثی آمده که عرفهای هشت روزه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشند از تحت مردم گفتند
 پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرده پریده رسنده باشند آن عرفها صاحب بسیار با صاحب در دو عالم
 و از عمران بن حصین ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکین طیبه فی جمالت عدیت
 پرسیدند فرمود قصر باشد از مردار در آن قصر بفتاد خانه باشند از یا قوت سرخ در بر خانه بفتاد حجه
 باشد از مرد سبز در هر حجره بفتاد تخت باشند بر تخت بفتاد قرش باشند زنگار زنگ بر فرش زرد
 از خورد در هر حجره بفتاد خوان بر هر خوان بفتاد زنگ طعام و در هر خانه بفتاد غلام و بفتاد کنیز و مسلمان
 قوت جماع آفتد باشد که با همه زوجات جماع کنند و از حدیثی اعمال صالحه که سبب بنامی خانه
 در پشت باشند بسیار مذکور شده اند از جمله بنا کردن مسجد و مولدیت بر سنن روایت نماز حجی
 و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب و عشاء و سوره خواندن خواندن شب جمعه
 روز جمعه در روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن
 بازار گوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد الحی
 قیوم و هو حی لا یموت یبدا الخیر وهو الخیر قد رفته شود بر او هزار در هزار حسنه

سلام یعنی
 عرفها یعنی با هر یک کلام نیکو بزمی گویند و مردم را طعام خوانند و شهما نماز گزارند در حالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده که روز متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادر خود سلام گوید و سلام دهند و راجواب سلام گوید او گوید یا افشای سلام کرده و کسی که این عیال خود را از طعام سیر کرده پس طعام طعام کرده و هر که ماه رمضان و سه روز از هر ماه روزه داشت گوید همیشه روزه داشت و هر که نماز عشاء و فجر بجماعت خواند او نماز خواننده در شب و در حالیکه مردم یعنی کافران خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود و روایتی که گفت یا رسول الله که اطاق است که افشای سلام و اطعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس نیاید حاصل آنکه اگر زیاده طاقت نباشد اینقدر هم کافی است اگر فضل الهی شامل حال است و در حدیثی آمده که حق تعالی عرفها بدست مبارک کرده است برای کسانی که برای خدا دوستی دارند و ملاقاتها نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا در حدیثی آمده که عرفهای هشت روزه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشند از تحت مردم گفتند پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرده پریده رسنده باشند آن عرفها صاحب بسیار با صاحب در دو عالم و از عمران بن حصین ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکین طیبه فی جمالت عدیت پرسیدند فرمود قصر باشد از مردار در آن قصر بفتاد خانه باشند از یا قوت سرخ در بر خانه بفتاد حجه باشد از مرد سبز در هر حجره بفتاد تخت باشند بر تخت بفتاد قرش باشند زنگار زنگ بر فرش زرد از خورد در هر حجره بفتاد خوان بر هر خوان بفتاد زنگ طعام و در هر خانه بفتاد غلام و بفتاد کنیز و مسلمان قوت جماع آفتد باشد که با همه زوجات جماع کنند و از حدیثی اعمال صالحه که سبب بنامی خانه در پشت باشند بسیار مذکور شده اند از جمله بنا کردن مسجد و مولدیت بر سنن روایت نماز حجی و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب و عشاء و سوره خواندن خواندن شب جمعه روز جمعه در روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن بازار گوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد الحی قیوم و هو حی لا یموت یبدا الخیر وهو الخیر قد رفته شود بر او هزار در هزار حسنه

اعمال صالحه که سبب بنامی خانه در پشت باشند

دو ور کرده شود از آن هزار در هزار گناه و بنا کرده شود خانه در بهشت و آنحضرت فرموده که هر که ده بار در روز بخواند
خواند میخانه برای او در بهشت بنا کرده شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا
رسول الله در صورت بسیار خانها در بهشت کنیم فرمود که فضل خدا فراخ ترست بطهرانی از صیوم بن محمد
روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا در بهشت میشود چون شخص از ذکر نهد میشود از بنا کردن بند میشوند
پس گفته شود آنها را که چرا با زمانید از بنا گویند تا که با نفقه رسد و همچنین از علی بن ابی نعیم روایت کرده و
در حدیثی آمده هر که انبیر و او صبر کرد و حمد گفت **وَاِنَّ لِلّٰهِ وَاِنَّ الْبَحْرَ رَاجِعٌ لِّی** گفت حکم شود که بنا کنند
برای بنده من خانه در بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قتال جز
بند کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه در بهشت و فرمود هر که دروغ گوئی ترک کند خانه او یکسو
در بهشت بنا شود و هر که ترک کند جدال و او محق باشد بنا کند خدا برای او خانه در میان بهشت و هر که را
خلق حسن باشد در اعلی بهشت خانه او باشد و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه شود
و خانه در بهشت بنا شود و از یا قوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانان کند خانه او در بهشت بنا شود
فصل بومی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی
پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که در بهشت
او را بومی بهشت نرسد و همچنین دارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی که
خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعمل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که سن
نهر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه ورپری زن نکند و کسیکه بتکبر از خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب
سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم مردی که مردود در دل او مقدار
دانه خردل کبر باشد حلال نیست او را که بومی بهشت بومی رسد یا بهشت را ببیند
فصل در صحیحین از ابی بریره روایت که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که در خان بهشت اینچنان
باشند که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود سایه او را قطع نکند و ترندی از اسما بنت ابی بکر آنحضرت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در ذکر سوره النبی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد بار

باید این دعا را بخواند
باید این دعا را بخواند
باید این دعا را بخواند

سوره التبت
باید این دعا را بخواند
باید این دعا را بخواند
باید این دعا را بخواند

در آن پروانه های زرد باشند و ثمر آن مثل قلمها باشند فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم طوبی در
 حدیثی که راه پاره پاره پوشاک شستنیان ازان براید فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم درختی در شیت بنام
 کز آنکه تنه او از زر باشد و از این عباس مرویست که نخل بهشت را تنه زرد سبزه و شاخها آن طلاست
 و برگ آن پوشاک این بهشت قطع و بهم حلها و ثمر آن مثل قله سفید از شیر و شیرین تر از غسل و نرم
 از زرد و نباشد در هسته سلمان فارسی رضی الله عنه چوبی خورد در دست گرفت و گفت اگر در بهشت
 اینقدر چوب طلب کنی نیابی مردم گفتند که آنجا نخل و شجر باشد فرمود که بیخ و تنه آن از مردارید و زرد باشد
 و بالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفت یا رسول الله درختی مذکور شده که
 ایزد میکند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی فرماید **فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ**
 یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خار او را بجای بر خار ثمره باشد از هر ثمره بنفتاد و دورنگ براید که
 مشابه یکدیگر نباشد و ثمره درختان بقسمی باشد که استاده و نشسته و بر زمین خفته بهر حال میتوان گفت
 مجاهد رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از شک و درختان از زرد نقره و شاخها
 از مردارید و زرد و ثمرها بقسمی استاده و نشسته و خفته از آبگیر و مسروق رضی الله عنه گفته که ثمره
 جنت هر گاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم شود و ابی هریره گفته که سدره بهشت را طوبی گویند حق تعالی
 بفرماید بشکاف بر آبنده صالح من هر چه خواهد پس بشکاف ازان سپ مع زمین و لگام چنانچه خواهد براید
 شتر با رجل و مهار بقسمی که خواهد براید پاره آنچه خواهد و در حادثه و آرد شده که هر که **بَشَّحَ اللَّهُ الْعَظِيمِ**
 گوید برای او درختی در بهشت نشانه شود رسول صلی الله علیه و سلم ابو هریره رضی الله عنه بر آید که
 درختی می نشاند فرمود که دلالت کنم من شتر را درختی بهتر ازین گفت آن چیست فرمود **بَشَّحَ اللَّهُ**
الْحَمْدُ لِلَّهِ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ أَكْبَرُ هر کلمه ازین درختی برای تو نشاند شود رسول صلی الله
 علیه و سلم ابراهیم علیه السلام را در خواب دید گفت یا محمد است خود را از من سلام بگو و خبر ده که بهشت
 خاک است و شیرین آب و آن بی درخت است و ختمای آن **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ**
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ است و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که نزد ختم قرآن و ختم

این حدیث از صحیحین است
 و در بعضی نسخ
 کلمه **بَشَّحَ** به
 کلمه **بَشَّحَ** بدل شده
 که در بعضی نسخ
 کلمه **بَشَّحَ** به
 کلمه **بَشَّحَ** بدل شده

این حدیث از صحیحین است
 و در بعضی نسخ
 کلمه **بَشَّحَ** به
 کلمه **بَشَّحَ** بدل شده
 که در بعضی نسخ
 کلمه **بَشَّحَ** به
 کلمه **بَشَّحَ** بدل شده

این حدیث از صحیحین است
 و در بعضی نسخ
 کلمه **بَشَّحَ** به
 کلمه **بَشَّحَ** بدل شده
 که در بعضی نسخ
 کلمه **بَشَّحَ** به
 کلمه **بَشَّحَ** بدل شده

درخت در بهشت نشانه شود و این عباس رضی الله عنه گفته که هر که برای کار نیک و در بر و جاوران
 زمین و دریا رحمت فرستند و هر قدم در بهشت درختی نشانه شود و گنایان او خشنود و خوشی
 بفرماید **فِيهَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ وَوَلَا يَمُوتُ فِيهَا سَمٌ وَلَا نَجَسٌ وَلَا يَمُوتُ فِيهَا كَلْبٌ وَلَا يَمُوتُ فِيهَا دَابَّةٌ وَلَا يَمُوتُ فِيهَا نَجَسٌ وَلَا يَمُوتُ فِيهَا كَلْبٌ وَلَا يَمُوتُ فِيهَا دَابَّةٌ**
 و آنگاه میفرماید **وَأَبْجَانِ عِبْرَةَ عِبْرَةَ** این عباس رضی الله عنه
 گفته که در دنیا از عمر با بهشت نیست مگر نام و گفته بر چه در دنیا از عمر بهشت شیرین و تلخ تا که خصل در بهشت هم
 یعنی صورتها هر یک با بهشت است و لذت چیز دیگر باشد مثمره بهشت را و از زود گزولان و خسته
 فصل حق تعالی بفرماید **وَأَمَّا نَجْمٌ فَافَاكِهِةٌ وَوَجْمٌ فَافَاكِهِةٌ** رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
 بدستیکه تو بینی پرنده در بهشت و غیبت کنی در خوردن آن بیفتد پیش تو بریان شده و آبی اما گفت
 مردی در بهشت غیبت طبری کند افتد پیش او مثل شتر بخونی زرسیده بوی دود و آتش ستر از آن بخورد
 تا که بشود باز آن پرنده بر در رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اهل بهشت طعام خورند و بنوشند و بول کنند
 و آب درین و آب یعنی نهند از نه طعامیکه خورند از آن روع و عرق بیرون رود بوی آن مثل بوی مشک
 باشد در فرمود مردی را در بهشت در خوردن و نوشیدن و جماع کردن فوت صدمه باشد
 فرمود که مومن را از طرف خدا یا آیند در اوقاتی که نماز میخوانند زوشتگان بر آنها سلام گویند
 فصل در بهشت نهرا باشد از آب از شیر که متغیر نشود و از خمر و از غسل و چشمه باشد سلسبیل نام که
 شدید بجریان باشد و چشمه باشد که نوز نام و چشمه باشد ز سبیل نام و چشمه باشد تسنیم نام که بهترین
 شرابهاست است صرف از آن بفرمان خورند و دیگران از آن خلطی شود حق تعالی بفرماید **وَ**
مِنْ لَدُنْكَ مَنَاقِبُ مِمَّا لَمْ يَأْتِكُمْ مِّنْ لَّدُنْكَ مَنَاقِبُ مِمَّا لَمْ يَأْتِكُمْ مِّنْ لَّدُنْكَ مَنَاقِبُ مِمَّا لَمْ يَأْتِكُمْ مِّنْ لَّدُنْكَ مَنَاقِبُ مِمَّا لَمْ يَأْتِكُمْ مِّنْ لَّدُنْكَ مَنَاقِبُ
 نهرا بی بهشت از کوه مشک بر آید و فرموده که نهراست بهشت در غار زو و بر زمین روند گنار
 شان از مر و آید و خاک آن از مشک باشد و از این عباس رضی الله عنه روایت که در بهشت
 نهراست که از آبیدج گویند بر روی قباها باشند از باقوت زیر آن دختران باشند رو بیده مردم
 برای سیر آنها آیند و آن دختران را ببینند اگر دختری کسی را خوش آید دست خود بوی رسانند

در این روایت صحیح است
 و اما سبب آنست که
 در روایتی دیگر آمده است
 که غیبت کردن در
 دنیا و پیوسته بسیار زیاده است
 و سبب آنست که از آن
 روایت کرده شود که
 در آن دو روایت
 در آن روایت صحیح است
 و اما سبب آنست که
 در روایتی دیگر آمده است
 که غیبت کردن در
 دنیا و پیوسته بسیار زیاده است
 و سبب آنست که از آن
 روایت کرده شود که
 در آن دو روایت
 در آن روایت صحیح است

آن خضر همراه او شود و بجای او دختری دیگر بر دید در حق نهر ناسه بهشت حق تعالی سفسر باید
 یفجر و نهان تغییر آفتاب این بهشت هر جا که خواهند آن را از آنجا بگردانند این بهشت قضیبها شده
 اندر از آن قضیبها اشاره کنند همراه آن قضیبها نهر جاری شود احمد از ابی سعید خدری روایت کرده
 که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که مسلمان از تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از حقیق مخموم ^{شانه}
 و حقیق مخموم عبارت از خمر است که در آن لذت و بوی مشک باشد و از خمر بهشت صدراع نشود
 چنانچه در قرآن است و عقل زائل نگردد چون این بهشت را رغبت شراب شود بدست او آنقدر داده شود
 که نه زیاده باشد از خواهش او نه کم فرمود که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت از آن محروم باشد
 اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که خمر خورد در دنیا یا با بچه صغیرا خوراند او را حق تعالی جهنم
 خرازد و هر که نخوت خدا خمر را ترک دهد با وجود قدرت بر آن وارد ^{نشان} چشمه ^{نشان} قاتنه ^{نشان} در آنجا شود و در بهشت
 وارد شده که در بهشت و رحمت باشد که از آن لباس بهشتیان برآید اگر خواهد سفید و اگر خواهد سبز و اگر خواهد
 سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد و بار دیگر خوبتر این ابی حاتم از کعب احبار آورده که اگر پارچه بهشت را
 در دنیا پوشد چشمها دیدن آنرا تحمل نشوند هر که آنرا بیند بهوش شود و میبرد و صاحب آنرا عکره زود است کرده
 که لباس شش در یک ساعت بنفاد و زنگ تبدیل شود و در ^{صحیح} صحیحین ^{نشان} روایت است که آنحضرت فرموده هر که حریر در دنیا پوشد
 در آخرت نبوشد اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا در ظرف زرد یا لقره خورد در آخرت از آن بخورد
فصل در صحیحین است که مومن از یور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی غیره
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که اوئی او را بد آن لباس مشرق و مغرب ^{نشان} رسد
 و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن دهد از رسدس استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده که
 مصیبت زوجه را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن رسد فرموده هر که
 ترک لباس زمینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلاق طلب کند و مختار سازد و از علمای
 ایمان هر چه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از این بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد
 یکی از زرد دوم از لقره سوم از زرد و بار کعب احبار روایت است که حق تعالی در شسته پدید کرده است که از زور

فصل در صحیحین است که مومن از یور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی غیره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که اوئی او را بد آن لباس مشرق و مغرب رسد و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن دهد از رسدس استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده که مصیبت زوجه را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن رسد فرموده هر که ترک لباس زمینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلاق طلب کند و مختار سازد و از علمای ایمان هر چه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از این بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد یکی از زرد دوم از لقره سوم از زرد و بار کعب احبار روایت است که حق تعالی در شسته پدید کرده است که از زور

پیدا بشود و تا روز قیامت زبانش تیار میکند از سعید بن جبیر و تفسیر قوله **لَقَابِطَاتُهَا**
مِنْ رِاسْتَبْرَقٍ یعنی فرشتهها بشتیان را استر از استبرق با هم روست که گفته که ظهور این امر با شایان آن نور خواهد
فَصَلِّ مُتَكَبِّرِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْكَانِ یعنی تکبیر زود بر اریکها بنشینند و یک را در پند می چهره کبرش گویند
 که در آن سنت یعنی چهار بابی باشد و بالا آن جمله باشد همچا بد گفته اریکها باشند از مرد و ارید و با او
وَمَكَرٌ مَصْفُوفَةٌ یعنی تکبیرها با هم صف بسته از این عباس مرویست که خمیده از مرد و ارید مجنون باشد
 فرسخ در فرسخ چهار هزار تخته از زرد در آن باشد **ثُمَّ الْقَلْبَيْنِ** یعنی این هشت رو برو بنشیند بعضی بعضی را
 پشت ندیده و همچنین از ابی موسی اشعری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که خمیده یک را در ارید مجنون باشد
 که شمشیر برض آن باشد در گوشه از آن اهل خانه باشند بر او من که دیگر اهل خانه را ببینند و آن من همه آنها بگذرد
فَصَلِّ وَرِجْحِينَ این آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که هر کس در بهشت دوزخ باشد با و ترمی پسندد هیچ از
 آنحضرت روایت کرده که تزویج کرده شود من بهفتاد دوزخ گفتند یا رسول الله قوت بهفتاد زن داشته باشد
 فرمود که قوت صد زن داده شود و این عساکر و ابن السکن از حاطب بن ابی تمعه و احمد و زندی از ابی سعید
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که بهفتاد دوزخ باشند بهفتاد از خلقت بهشت و در آن
 از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد نسیار بکثرت بسیار
 شاید آن باعتبار بعضی آن فی صحن باشد لیکن روایت دوزخ از اهل دنیا شبهه پیش می آید که در شرح
 که آنحضرت زمان آنوقت **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زمان از زمان
 چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران مینمایید و نیز آنحضرت غرابها را
 دیدند در آن غرابها یکی بود سفید باز و داسرخ منقار و سرخ پا فرمود از زمان داخل بهشت نشوند مگر مانند
 این غراب از غرابها یعنی بسیار کم و از نسیان معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
 توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعزیر داخل بهشت نشوند لیکن
 انجام شان بهشت باشد و مراد **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ**
 در دوزخ کفر بخدا نفرموده بگذرانند و کفرن شوهر فرموده و محتمل که مراد آن باشد که هر کس از امت محمدی

قوله از تفسیر است
 فرسخ در فرسخ
 چهار هزار تخته

عاصم بن عقیل
 از ابی سعید روایت کرده

یعنی زنان اکثرند
 از مردان و دخول تا
 در دوزخ می نمودند و در امام

و وزن باشند گو از زمان اجم سابقه باشند با طفل مرده باشند از اطفال مؤمنین یا اطفال کفار و وقت
 دخول خست جوان باشند و نکاح مردان بکلفت داده شوند لیکن زمان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
 ازین بهتر باشند زنان بهشت پاک باشند از حیض و بول غایط و آب و بن و آب بینی و دلد و منی آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر زنی از زنان بهشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند روشنی
 آفتاب را بپوشد و دامنش فراوان دنیا و ما فیها بهتر باشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در شب پنج
 چون داخل بهشت شدم در موضعی که پیش نام دارد در آن خیمه با قوت و مردارید و زبرد بود آواز زنان شنیدم
 السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبرئیل اینچه آواز است گفت این مقصودات فی الجمله
 انداز حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زنا نیم راضی گاه بی ناخوشی
 کنیم همیشه باشند گاه بی سفر نکینم طبری از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرموده که حوران بهشت از زعفران مخلوق باشند و ابن مبارک از زید بن سلم آورده که پدید آمدن آنها
 از مشک و زعفران کافور باشد از خاک و طبرانی و بیهقی از امام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
 صلی الله علیه و سلم که زنان دنیا از حوران بهشت در حسن افضل باشند مانند فضل ابره بر استر بسبب و روز حق
 رویه ایشان را نور بخشد و جسد ایشان اسفید و خوبی و مجامر شان از مرورید و شانها شان از زردی امام
 پرسید یا رسول الله زنی در دنیا دوشوهر کند یا سه یا چهار در بهشت کرا باشد فرمود که او را اختیار داده شود
 پس اختیار کند که تو را در خلاق و همچنین ام جیبیه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
 ازواج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
 مرد و آن زن شوهر دیگر نکند و در بهشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید **اَنَا اَنْشَأْنَا هُنَّ اِنْشَاءً**
فَجَعَلْنَا هُنَّ اَبْكَارًا عَرَبًا اَتْرَابًا یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهند
 بکره و عاشقه شوهر خود و همه زنان بیک عمر باشند و ترمذی و بیهقی از انس آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که پسر زنان کور چشم و چرکین چشم را حق تعالی جوان بکار سازد و نیو همچنین ام سلمه
 روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که این بهشت مردوزن همه بیک عمر باشند سی و سه ساله

در کتب معتبره از شیخ

حق تعالی میفرماید **وَجَعَلْنَا لِكُلِّ شَيْءٍ مِّمَّا يَخْلُقُ لَكُمْ آيَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ** یعنی ما آنچه را که میسازیم برای شما آیه‌ها قرار دادیم تا بدانید که حق تعالی قادر است که هر چه را که بخواهد آفریند و در صورتی که میفرماید **خَيْرَاتٍ حَسَنَاتٍ** یعنی نیک خود خورش و این مبارک از او را می‌روایت کرده نیک خوابشند زبان دراز می‌بوده گویند که شک یکدیگر نکنند اینها را **قَالَ صِرَاطًا ظَرْفًا** یعنی چشم خود بر ازواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نه بینند و فرموده **كُوْنُوا عِبَادًا لِّمَن لَّا يَمْلِكُ شَيْئًا سِوَا اللَّهِ** یعنی پستان نوحا ستم هم سن این ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که خورش است اگر در ای شور آب زمین اندازد تمام دریا شیرین شود و همی از این عباس از آن سرور روایت کرده که این بهشت را قوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه با صد زن جماع کند و طبری از ابی امام از آنحضرت روایت کرده که آلات جماعت ماند نشود و شهوت منقطع نگردد و هزار و غیره از ابی سعید از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که این بهشت تا با زمان خود جماع کنند با زن باکره شود لیکن از جماع در جنت توالد نباشد و اگر کسی حیوانا آرزوی و کند حمل و زاون و جوان شدن مولود در یک ساعت است و بد کند از آنحضرت و البقیه و غیر جماعت صلی الله علیه و سلم در حدیثی آمده که مردی با یکی از حورین صحبت داشته تا ناگاه و نوری از بالا ظاهر شد و گمان بر او که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری است بهتر از اولی میگوید که اولی خدا آیات او نصیبی نیست چندی با وی صحبت دارد و باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانیه و همچنین همچنین رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که غصه فرورد با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلافت طلب کند و مختار سازد در حوران هر که خواهد بگیرد و فرموده که سه چیزند هر کسی را یکی از آن باشد او را حورین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا او کند و خیانت نکند و کسی که قاتل خود را بکشد و کسی که بعد از نماز سوره اخلاص بخواند و فرودده مهر حوران قبضهای خرم و بار چاک زان است یعنی آنچه بد رویشان برود و فرموده جابربن جریس مساجد حوران تا فرموده که پیش از رخت بگردان سال تا سال بی ماه رمضان حوران زمینت میگیرند از سال تا سال دیگر برای ماه چوین در نماز داخل شود بهشت گوید آنی بگردان درین ماه از بندگان خود ساکنان در حوران

گویند الهی بگردان ان بنندگان خود برای ما شوهران که سرود شود چشم ما از آنها چشم آنها از ما دور شود
 در پشت حور باشد چنانچه بنفستاد هزار غلام بر دست راست و چپین بر دست چپ او راه رود
 و بگوید کجا باشند امر کنندگان آن معروف و منی کنندگان از منکره فرمود که اگر زنی مردی را در دنیا بزند
 زن او از حوران گوید آید این که همان است نزد تو قریب که از تو جدا شود بسوی ما آید حوران بر پشتی را گفته
 که بنخواستید که شوهر خود را ببینید گوید آری نگاه بردن از میان برداشته شود او را ببیند شتیاق ملاقات

فصل از ابی برره و ابن عمر و غیره مرویست که حوران با او از خوش سرود کند کسی شنیده باشد

مثل آن بتسبیح و تقدیس و حمد و شای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ سخن جو چنان
 اهدینا کذا و ج کرا و سخن الخالدات فلا نغون و سخن الراضیات فلا نسطن
 و سخن الایمانات فلا نکافون و سخن الیقینات فلا نطعن و در حدیث است که اگر این هشت غریب

کنند با او را حکم شود که در شاخهای سبز درختان که از مردار بدست در آیند حرکت و بیهوشی که آوازها
 خوش سر آیند و درختان را حکم شود که بنندگان من که خود را در دنیا از معازت و مزایم باز داشته بود

آنها را بشنو اند پس آوازهای خوش از درختان بتسبیح و تقدیس بر آید و نیز ملائکه آوازهای خوش
 بتسبیح و تقدیس گویند و گویند لا خوف علیکم و لا هم یحزنون و نیز در حدیث آمده که داود

علیه السلام را حکم شود آن حضرت با او از خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی موسی از آن حضرت
 صلی الله علیه و سلم آورده که هر که در دنیا سرود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان گمراهن هشت

فصل ظروف در هشت از زرد و زعفران باشد شفاف مثل شیشه قوله تعالی کانت قواریرا

قواریرا برهن فیضیه همین معنی دارد ظرف زرد و زعفران در دنیا هر چند باریک باشد شفاف نیاید
 بر سر راز این هشت بقناد ظرف از زرد و زعفران پیش آورده شود در هر یک یکی از طعام باشد که در دیگر نیاید

فصل مردم که داخل هشت شوند عداوتهای شان که در میان باشد دور شود و با هم دوست

و محب شوند و در این هشت را هزار خادم باشد در حدیثی پنجاه هزار آمده و در حدیثی ده هزار خادم از
 ولدان مخلد یعنی امردان که همیشه امرو باشند در قرآن است که ملائکه در هشت داخل شوند و بر مومنان سلام

بسم الله الرحمن الرحیم
 در حدیثی است که هر که در دنیا سرود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان گمراهن هشت
 در حدیثی است که هر که در دنیا سرود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان گمراهن هشت
 در حدیثی است که هر که در دنیا سرود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان گمراهن هشت
 در حدیثی است که هر که در دنیا سرود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان گمراهن هشت
 در حدیثی است که هر که در دنیا سرود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان گمراهن هشت

در بیست کذب لغو و بزل و شتم و مانند آن نباشد هر چه با رسول الله در بیست است باشد فرمود اگر در بیست
 برگاه سولدی اسپ غمناهی کسی از یاقوت سبز را سوار شوی او را پر باشند پر دبانو و هر جا که خواهی رساند دیگر گفت
 یا رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل بیست شوی هر چیزی را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد مهیا باشد
فصل در بیست بازار باشد که در آن هیچ و شتر نیست مگر صورتهای مردان و زنان در آن باشند
 هر صورت که کسی را خوش کند هم در آن صورت گردد بجز آنی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه و آله
 روایت کرده در جنت عدن سوای انبیاء و شهداء و صدیقان کسی نباشد و باشد در آن آنچه در خطره کسی
 هم نگذشته باشد فقیر گوید که شاید مراد از این حدیث آن باشد که در آن روایت حق تعالی و انبیاء باشد سلم
 از انس از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که در بیست بازار باشد در آن تو و نامی مشک باشند
 رو جمعه مردم در آنجا روند بار شمال بر آنها و زو شک بر روی و پارچه های شان نشانند حسن و جمال زیبا
 شود چون نزد اهل نود و نمانا گویند و الله شما حسن و جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که طپور در
 مثل شتر ختی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و از آن هر لذت خورد باز
 آن طپور برود و در بیست با هم ملاقاتها کنند بیشتر سوار شده و بر اسپان کند بول گفتند و نیز
 و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در بیست در
 باشد که از بالای آن حلما و از زیر آن اسپان الملق از زر که زینهای شان و با گهای شان از مردارند
 یاقوت باشد و آنها را پر باشد و آنها قدم نهند جائیکه بصر رسد اولیا را الله بران سوار شوند و بگردند
 دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نور شان نورهای ما را فرود نشاند و ما
 که اینها در راه خدا اتفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جهاد میکردند و شما می شستید بی همی از مجاهد
 و ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی **وَإِذَا رَأَيْتَ نِعْمَانَ وَمُلُكًا كَيْدًا** گفت که مراد از ملک کس
 آنست که فرستاده رب لغت تحنها و لطفها بروی آورد و بوی نرسد تا که اذن دخول طلب کند از آنها
 و آن صاحب حاجت بگیرد و چنین پس آن بوی الله بدخول هر گاه آن بوی خواهد بلی اذن پروردگار خود شست شود
 فقیر گوید این از انجاست که حق تعالی فرستاد از جبل الوری و حجب غفلت در میان نیست که حضور و انمی دارد

ببرگاه نظر کنی
 در اینجا بینی
 در اینجا
 در اینجا

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که این شش
یکصد و بیست صفت باشند از جمله هشتاد و شصت از است من و چهل از دیگر امم و یکی و این عساکر
از جابر روایت کرده که مومنان هر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخواهست از این
هر چه خواهند مردم بجایا رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علما و جوه سوال آموزند پس مردم بعلم
در شش هم محتاج باشند و طبرانی و بیهقی و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده
که این شش بر هیچ چیز حسرت نکند مگر بر ساعتی که در دنیا در آن ذکر خدا نکرده باشد این عساکر از
امیر المؤمنین علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که بوی شش بر هزار ساله
میرسد و بوی شش عقوق کننده و والدین و قاطع رحم را و پسرانی را و کسیکه از کبر و مانع در آن کند
فصل این شش در شش با برادران و یاران و دوستان ملاقات نکند و مادران می نیاید
بزار و بیهقی و غیره از آن روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که چون هشتیان
داخل شش شوند اشتیاق برادران کنند پس تحت یکی مقابل تخت دیگری آید و با هم سخن گویند
انچه در دنیا گذشته بود و این شش دوزخیان را هم بینند و برزخ هشتیان خوانند اینها به
و اصحاب درجات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابونعیم و غیره از آن روایت کرده که هر که نزد
پیغمبر صلی الله علیه و سلم آمد گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست بدارم
و چون بخانه بروم بی تو صبر نمیتوانم کرد تا که خدمت می کنم لیکن چون مردن خود و مردن تو را
می ترسم که تو در شش در مقام پیغمبران باشی و من اگر به شش رسم ترا بینم آن حضرت جواب داد
تا که جبرئیل نازل شد و این بیت آورد **مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ**
أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ الْأَكْبَادِ و هر که بگوید **اللَّهُمَّ**
بِنِجْلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که هر که در شش شده یعنی در روز هفتاد
یا کبیر جمه شان اجرد باشند یعنی بر نام بدن شان سوزی نباشند و امر و باشند بی ریش و بصر
سی و سه سال باشند طبعان نه کم نه زیاد و در چشم هر که کشیده و این الی الله دنیا از این عساکر

که کسی که در این شش
باشد در مقام پیغمبران
باشد و این شش
است

که در بهشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگر را نباشد و از کعب احبار مروست
 که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگر را نباشد شاید که برود و با باشد غیر آنها را
 و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که جمیع ریش
 بناهای شان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرک
 از ابن عباس آورده که زبان این بهشت عری باشد و وطبی گفته که چون مردم از قبور آیند زبان
 باشد و در بهشت زبان عری باشد و در صحیحین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
 روایت کرده که دیدم اکثر این جنات فقر و اکثر اهل جهنم زنان و بزرگواران آنحضرت صلی الله علیه
 وسلم روایت کرده که اکثر این بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت
 و وجهی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و از بهی گفتم غافل از شر و مسلم از ابی هریره از آنحضرت
 صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل بهشت شوند جماعتی که دلهای شان مثل دلهای بزرگان
 باشد یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و در صحیحین از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم روایت که حق تعالی این بهشت را گوید که **بید گویند چرا راضی نشویم که ما را**
دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید ای داده ام شمار آنچه ازین همه افضل است گویند
ازین افضل چه باشد فرماید که از شمار راضی شده ام که گمانی ما را راضی نشوم
فصل بزرگترین نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علا و افض و خواجه و معتزله از انکار
دارند اهل سنت و جماعت بدان مستدی شده اند حق تعالی بفرماید **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
رَبِّهَا نَظَرَةٌ رَسِبَ فَرَأَى الَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحَسَنَىٰ وَزِيَادًا که ما را در حسنی بهشت است و از
 زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیه یعنی از هر چهار طرف که را شدین دانی بن کعب و کعب بن عجمه
 و ابن مرویه و انس ابو هریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس ابن مسعود و غیره مروست و رسول
 فرمود صلی الله علیه وسلم فریبست که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید
 در شب چهاردهم در حالیکه هیچ حجاب در میان نباشد چنانچه بن سعید گفته که در روز قیامت حق تعالی

بعضی روایت کرده
 روزنامه باشند
 بیدرود و گمانند
 که غفلت است
 دنیا و دنیا پرستی

هفتده حدیث صحیح وارد شده و اجماع است بر این منعقد گشته انکار آن کفر است ذکر احادیث بر دست
بسیار طول وارد و تشکیک بدولت دیدار شریف شوند جمیع نعمتهای بهشت از نظر ساقط گردد و از اینجاست
مرویست که آنچه در دنیا روز عید باشد مردم بر ایند بچهنمایی بهشت و خدا را به بیستند یعنی در سالی
یکه و بار در بعضی احادیث آمده که در هفتده یکبار و شاید در حدیث سابق هم مراد از روز عید روز عید باشد
و در بعضی احادیث آمده در هر پنج روز یکبار و به معنی از آغوش و ایت کرده که بهترین اهل بهشت کسی باشد
که هر پنج شام بنید و ابو نعیم از ابی یزید بسطامی رضی الله عنه روایت کرده که بنندگان خاص حق تعالی
چنان باشند که اگر یک آن از رویت محجوب شوند فریاد کنند چنانچه دوزخیان بر آخروج از دوزخ فریاد
فانگردد از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه مرویست که در تفسیر قوله تعالی ^{تلک} ^{من} ^{یکان} ^{یرجو} ^{اللقاء}
رَبِّهِ فَيَعْمَلُ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا فرمود
هر که خواهد خدا را بیند باید که عمل صالح کند و کسی را بران آگاهان زود خبر کنند
فصل بعضی علما گفته اند که روز حق تعالی مخصوص بیشتر است ملائکه را نخواهد شد لیکن به معنی ملائکه
را هم رویت اثبات کرده روایت کرده که حق تعالی ملائکه را پیدا کرده چندین صنف
همه شان همیشه در عبادت قائمند و روز قیامت چون روز قیامت شود بر آنها حق تعالی تجلی کند
ببیشتر حق تعالی را و بگویند **مَا عِبَادُكَ فَالْحَقُّ عِبَادُكَ** و نیز از مردی از اصحاب آنحضرت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی را در شنگان اند که از خون خدای لرزد شانها
شان نیست از آنها فرشته که میریزد قطره آب از چشم گران قطره فرشته می آید که نسبیچ میکند چنانچه
از شنگان از روزیکه پیداشده اند در سجود اند سر از سجود بر دارند تا روز قیامت و بعضی صنف است
استاده اند از آن حرکت کرده تا روز قیامت چون روز قیامت شود حق تعالی تجلی کند و خدا را بینند
گویند **سُبْحَانَكَ مَا عِبَادُكَ فَالْحَقُّ عِبَادُكَ** یعنی پاکست مرتزاعات تو کردیم ترا چنانچه شاید
فصل کفار از جن و انس در روز با شنگان با اتفاق و در تومنان از جن علما را اختلاف است بعضی گویند
ایشان را در خون بهشت نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از انس بن سلیم آورده که گفت مسلمانان

این حدیث صحیح است
و در بعضی احادیث آمده
که در هر پنج روز یکبار
و در بعضی احادیث آمده
که در هر پنج روز یکبار
و در بعضی احادیث آمده
که در هر پنج روز یکبار

جن نه داخل بهشت شوند و نه داخل دوزخ و همچنین از ابی حنیفه نقل میکنند لیکن حق است که مؤمنان جن را قتل
 و کافران را عذاب خواهد شد قال الله تعالی خطاباً للقلوب لیکن خاف فقام ربه بجنان فیما فی الآله
 ربنا انکذبت بان فقال لمریطه من انس قبله و لجان وقال الله تعالی حکایه عن کلام
 ابن عباس و من اسلم فاولئک نکر و ارشد و اما القاسطون فكانوا لجهنم حطباً
 و بیستی از انس از انس و صلی الله علیه و سلم روایت کرده که مؤمنان جن را ثواب باشد و برانها عذاب
 پس سوال کردیم از ثواب آنها و بر اعراف باشند در بهشت یا است محمد صلی الله علیه و سلم نباشند
 رسیدیم که اعراف چیست فرمود جایست بیرون بهشت در آن نهر جاری اند و درختها و ثمرها در آن
 و هب مردی است که رسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی میفرماید اولئک الذین
 حق علیهم القول فیهم قد خلت من قبلهم الجن و الانس انهم كانوا خاسرین و لکل
 درجات علیها و بیستی از ابن عباس روایت کرده که خلق چهار قسم اند یک خلق تمام در بهشت باشند
 و آن ملائکه و یکی تمام در دوزخ و آن شیاطین اند و دو خلق بعضی در بهشت و بعضی در دوزخ و آن جن و انس
 و حمزه بن حبیب گفته جن داخل بهشت شوند برای جن جنیاری هم باشند و بیباک انس انسیات

الحمد لله رب العالمین خالق الجنة والنار
 والصلوة والسلام علی محمد و آله
 المختارین قبل الجنة والنار
 علی ابی طالب و آل ابراهیم
 الاصلیاء

اینکه جن را قتل میکنند
 و کافران را عذاب خواهد شد
 و بیستی از انس از انس
 و صلی الله علیه و سلم
 روایت کرده که مؤمنان جن
 را ثواب باشد و برانها عذاب
 پس سوال کردیم از ثواب
 آنها و بر اعراف باشند در
 بهشت یا است محمد صلی الله
 علیه و سلم نباشند رسیدیم
 که اعراف چیست فرمود جایست
 بیرون بهشت در آن نهر جاری
 اند و درختها و ثمرها در آن
 و هب مردی است که رسیده
 شد که جن را ثواب باشد
 گفت آری حق تعالی میفرماید
 اولئک الذین حق علیهم القول
 فیهم قد خلت من قبلهم الجن
 و الانس انهم كانوا خاسرین
 و لکل درجات علیها و بیستی
 از ابن عباس روایت کرده که
 خلق چهار قسم اند یک خلق
 تمام در بهشت باشند و آن
 ملائکه و یکی تمام در دوزخ
 و آن شیاطین اند و دو خلق
 بعضی در بهشت و بعضی در
 دوزخ و آن جن و انس و حمزه
 بن حبیب گفته جن داخل
 بهشت شوند برای جن جنیاری
 هم باشند و بیباک انس انسیات

خاتمه لطیف پس از سپاس فریفته سبده معاد و همیشه در رخ جزا هدیه عباد و درود سبیل شافع کل مقام
 نمود و بر این عاصیان از میان آتش و درود خوشنودی اهل بیت و اصحاب صاحبان میزان گران از بالای
 بل چون برق گذران افروخته می آید که چنانچه تذکرة احوال موقی و بیان شد آنقدر با عفت اقام بر طاعت اعراس بود
 همچنین تذکرة احوال آخرت معاد و امید و بیم ثواب عقاب یوم القیامت گذراشتن موجبات وقوع در میزان طلب
 اسباب خول و جهان است نظر بوجه پیشین پیش ازین ساله تذکرة الموقی و القصور بطبع در امره ظهور
 جهان گردیده اکنون نظر بوجه پیشین بر حسب یقای و عده سابقه که در خاتمه رساله موصوفه مطبوعه برای تحریر پیشین بود
 کتاب هدایت نصاب تذکرة المعاد و از افادات جناب علم الامد علامه الوری مولانا قاضی محمد شاکر صاحب
 قدس سره به تصحیح تمام و معجم مالا کلام و ترجمه عبارات عربیه شبت عواشی ضروریه با اتمام امید و اراضال یزید
 محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان مغفور در مطبع نظامی واقع کهنه بازار چکدو الاخرت
 برای طبع در پیشین رغبت افزای دیداران بطاعت و اعراس فرمای گنجه کاران از معصیت گشت هرگاه نظر
 چشم بصیرت برین شاهزیا بکشایند وین دل را بیدارش نور و سرد فرمایند و حقر در وقت خامس یاد آور
 حسین خاتمه مسنون فرمایند چون طبع خاکسار بطبع مصنفات جناب قاضی صاحب بس سره رغبتی تمام دارد خصوصاً
 تفسیر منظری که بکلی همت و بکلی نیت خواندن طبعش مسیب باشد فاما سرایه حصول این مامل دست نمی دهد اگر نگار
 توجه دلی را در وقت کار فرمایند همانا افضالی از روی اسباب طبعش را از زانی فرموده آن خندره رعنا را از
 مطبوره قلمت بر منصفه کثرت بجلون گری نشاند و دیده آرزو مندان دیدارش را نور آگین و مسرت اما گروان
 آمین رب العالمین الصلوة والسلام علی رسولک محمد و آله و اصحابه و از واجه جمعیه

و چه ششم بر خاتمه برای سندی یعنی که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست مهر و دستخط مستم نموده شد



العبد
 محمد روشن خان
 ۲۴۹

